

زیبایی شناسی تشبیه، استعاره، کنایه، ایهام و... در ادبیات کودک با محوریت اشعار محمود کیانوش

عباس صیادی دریاکناری

دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور کرج، معاون پرورشی مقطع ابتدایی، آموزش و پرورش شهرستان ملارد

چکیده

محمود کیانوش از جمله پیشگامان شعر کودک است وی به عنوان پدر شعر کودک و نوجوان شناخته شده است و اشعار او تا کنون مورد نقد و تحلیل منسجم قرار نگرفته است. در نقد زیبایی‌شناختی شعر کودک موزون و آهنگین بودن، صریح و گویا بودن اندیشه‌ساز و خیال‌پرداز بودن از عناصر اصلی است؛ و عناصر شعر از لحاظ، صورت و محتوا در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند. این پژوهش که به روش تحلیلی- توصیفی انجام گرفته است، به نقد زیبایی‌شناسانه‌ی اشعار او در چند بخش، صورخیال، تشبیه، استعاره، کنایه و... می‌پردازد. شعر کیانوش از لحاظ پرداختن به خیال‌های شاعرانه غنی است. تشبیه، استعاره، تشخیص، تضاد و... به عنوان نزدیک‌ترین صورت خیال به دنیای کودکان بیشترین بسامد را در شعر او دارد. توصیف، پرداختن به پدیده‌های طبیعی و رفتاری اصلی‌ترین مضامین در شعر او هستند. در اشعار کیانوش عناصر شکل و صورت متناسب و هماهنگ با محتوای اشعار است.

واژه‌های کلیدی: شعر کودک، زیبایی شناسی، صورخیال، محمود کیانوش.

مقدمه

ادبیات کودک به نوشته‌ها و کتاب‌هایی گفته می‌شود که نویسنده در آن‌ها از خودجوشی درونی و از نیاز به در میان گذاشتن تجربه‌ای، برداشتی، حقیقتی با خوانندگان کودک و نوجوان پیروی می‌کند؛ به عبارت دیگر آثاری هستند که با توجه به نیازمندی‌های اساسی و علاقه‌ها، تجربه‌ها و توانایی خواندن و درک و فهم کودکان و نوجوانان، با روشی هنرمندانه، برای آن‌ها نوشته یا تألیف یا ترجمه یا گردآوری می‌شوند. ادبیات کودک با نقش کلیدی و جایگاه ویژه‌ای که در اجتماع دارد از لحظه‌ای که حیات خود را در جامعه آغاز می‌کند، به گسترش تبلیغ و پرده‌برداری از ارزش‌های مستتر زندگی و نمایاندن راه، برای رسیدن به قله مطلوب کمال، برای مخاطب ویژه خود می‌پردازد.

بحث در باب علم زیباشناسی در ادبیات فارسی یکی از جذاب‌ترین مطالبی است که همیشه توجه صاحب نظران را به خود جلب کرده است. استفاده از صنایع بدیعی مختلف در خلق آثار ادبی، هنری است که از دست هر کسی ساخته نیست و اهل خود را می‌طلبد و آن چه به شعر تشخص و شعریت می‌بخشد نظام موسیقایی زبان است. چه بسا شاعرانی که سروده‌های فراوان از خود به یادگار گذاشته‌اند اما اثر آنان به لحاظ سادگی و فقدان عناصر بدیعی و بیانی خالی از ملاحظت و زیبایی است؛ اما در این میان کسانی هم بوده‌اند که ذهن و قریحه خود را در خلق آثار هنری زیبا و هنرمندانه به کار گرفته‌اند. شعر کودک، دارای قالب‌ها، زبان، محتوا، موسیقی و آرایه‌های ادبی خاص خودش است. این ویژگی‌ها شعر کودک را از شعر بزرگسال متمایز می‌کند. هر کدام از شاعران کودک نیز از امکانات شعر کودک به شکلی خاص بهره می‌برد که با شاعران دیگر فرق دارد. زیبایی و زیباشناسی در شعر از زمان‌های بسیار دور مورد توجه ادیبان و شاعران بوده است. از آن جایی که هر اثر ادبی در بنیان خود زیباست، می‌توان آن را از دیدگاه زیبایی‌شناسی بررسی کرد. در این مقاله به بررسی زیبایی‌شناسی در ادبیات کودک با محوریت آثار محمود کیانوش می‌پردازیم.

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

سخن ادبی

مقصود اصلی از سخن، تفهیم معانی مختلف و تقریر حالات متفاوت است و در صورتی آن را کلام و سخن ادبی و گوینده را ادیب سخن سنج و سخن پرداز می‌گویند که مقصود خود را به بهترین وجه بفهماند و در روح شنونده موثر باشد چندان که موجب انقباض یا انبساط او گردد و خاطر او را برانگیزد تا حالتی را که منظور اوست از غم و شادی و مهر و کین و رحم و عطوفت و انتقام و کینه جویی و خشم و عتاب و عفو و اغماض و امثال آن معانی، در وی ایجاد کند. (همایی، ۱۳۷۳: ۴). سخن ادبی کلامی است که موجب تهییج و تسکین درونی، شادی و غم در شنونده می‌شود، یعنی در حقیقت گوینده با مهارت و استادی سخن را طوری بیان می‌کند که شنونده را به کاری و می‌دارد یا از کاری باز می‌دارد. این قوه‌ی تأثیر ناشی از روح فصاحت و بلاغت، یا به گفته‌ی حافظ «آنی» است که در سخن دمیده می‌شود؛ می‌گریاند و می‌خنداند (علوی مقدم، ۱۳۹۰: ۲۰).

صور خیال

استاد شفیعی کدکنی درباره‌ی صورخیال اینگونه می‌نویسد: خیال جوهره‌ی اصلی و ثابت شعر است و چیزی است که از نیروی تخیل حاصل می‌شود و این نیرو قابل تعریفی دقیق نیست. خیال عنصر اصلی شعر است در همه‌ی تعریف‌های قدیم و جدید است و هرگونه معنی دیگری را در پرتو خیال می‌توان شاعرانه بیان کرد. منظور از کلمه خیال همان ایماژ فرنگی است که چون نمی‌دانستند به آوردن مجموع اصطلاحاتی از قبیل اغراق، تشبیه، استعاره بپردازند این کلمه را برای مجموع این اصطلاحات به کار گرفته‌اند. (کدکنی، ۱۳۵۰: ۲۰).

فصاحت و بلاغت

فصاحت به فتح اول به معنی نیکو سخن گفتن است و آن ثلاثی مجرد است «فصح یفصح فصاحه» اما فصاحت در لغت به معنی آشکار شدن و روشن شدن است چنان که فصح الصبح یعنی صبح روشن شد. منظور از فصاحت این است که کلمات درست و مطابق مرسوم و کلام روشن و استوار باشد و این مقصود عمدتاً برای اهل زبان (گفتار) حاصل است و با تسلط بر دستور زبان و آشنایی با آثار ادبی تقویت می‌شود. بلاغت نیز به فتح اول مصدر ثلاثی مجرد است بلغ یبلغ بلاغه به معنی فصیح بودن و دارنده‌ی آن صفت را بلیغ می‌گویند منظور از بلاغت این است که کلام دلنشین و موثر و رسا و به اصطلاح وافی به مقصود باشد و بلیغ کسی است که بتواند ما فی الضمیر خود را به نیکویی بیان کند و به اصطلاح مطلب خود را به راحتی برساند. (شمیسا، ۱۳۸۹: ۵۸). فصاحت در لغت عرب، ظهور در بیان است که در فارسی آن را گشاده زبانی معنی می‌کنند و بلاغت در لغت به معنی رسایی است و مقصود از آن رسانیدن مقصود و غرض است به همین جهت نمی‌توان آن را در مورد کلمه به کار برد؛ زیرا کلمه به تنهایی رسا نیست و مقصود کامل گوینده را نمی‌رساند (علوی مقدم، ۱۳۹۰: ۲۵).

ادبیات کودک و تقسیم‌بندی آن

ادبیات کودک شاخه‌ای نازک اما پربار از درخت تناور فرهنگ و ادب سرزمین ماست این نوع ادبی عهده‌دار رشد و پرورش فکری، علمی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، دینی و معنوی نوباوگان است. ادبیات کودک با وجود قدمت سنتی آن تا پیش از دوران مشروطیت غالباً حالتی شفاف و گذرا داشته و در اشکال عامیانه مانند لالایی‌ها، مثل‌ها، چیستان‌ها، بازی، سرودها و... تجلی می‌یافته است. ادبیات کودکان یکی از اقسام ادبیات است که به‌ویژه در زمینه‌های زبان آموزی، آموختن کلمات و واژه‌های جدید و نیز جمله‌سازی به کودک نقش مهمی دارد. ادبیات کودکان و نوجوانان به نوشته‌ها و سروده‌هایی اطلاق می‌شود که ارزش ادبی و هنری دارد و شامل کلیه‌ی مطالبی است که بدون آن‌که قصد آموزش مستقیم داشته باشد فکر، ذوق و عواطف کودکان را پرورش داده و سرگرمشان می‌کند. این نوشته‌ها چه داستان باشد و چه غیرداستان، چه نظم و چه نثر، در قالب کتاب ارائه شود و یا به صورت مجله و مواد دیداری - شنیداری ادبیات کودکان و نوجوانان خوانده می‌شود. (انوشه، ۱۳۷۵: ۱۶۴).

شاعر با زبانی ساده و قابل فهم کودکان، مسائل اساسی زندگی را مطرح می‌کند شاعر با شعر خود، ارتباط کودکان را با جهان عمیق‌تر، عاطفی‌تر و دلچسب‌تر می‌سازد. شاعر با شعر خود، مایه‌های اندیشه، تخیل و آفرینش به کودکان می‌دهد، شاعر با شعر خود، کودک را برای زندگی در دنیای ذهنیات خویش و برای آشنایی و انس بیشتر با خود، آماده‌تر می‌سازد. (سهراب، ۱۳۷۲: ۱۵۵). برخی دیگر در این باره می‌گویند: «ادبیات کودک، مجموعه‌ی نوشته‌ها، سرودها و گفتاری است که از طرف بزرگسالان جامعه برای استفاده خردسالان فراهم آمده است.» (رازنی، ۱۳۷۰: ۲۲).

ادبیات کودک به دو بخش «ادبیات منظوم» و «ادبیات منثور» دسته‌بندی می‌شود که در هر دسته مواردی به شرح ذیل قرار می‌گیرد:

ادبیات منظوم

۱. لالایی‌ها
۲. مثل‌ها
۳. منظومه‌ها
۴. ترانه‌های عامیانه
۵. شعر

ادبیات منثور

۱. افسانه‌ها
۲. قصه‌ها
۳. حکایت‌ها
۴. داستان‌ها
۵. نمایش‌ها
۶. چیستان و لطیفه
۷. نوشته‌های غیر داستانی (ناظمی، ۱۳۸۵: ۱۳).

مهمترین ویژگی‌های شعر کودک

شعر کودک یکی از گونه‌های ادبی است که همواره در گستره ادبیات هرزبانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این نوع متن شعری همانند دیگر پدیده‌های ادبی دارای مؤلفه‌های ساختاری تعریف شده‌ای است که آن را از دیگر نمونه‌های شعری همچون شعر بزرگسال متمایز ساخته است. در این میان موسیقی آهنگین و جذاب در کنار عاطفه سرشار و پر بار و خیال رنگارنگ به همراه مضامین و درون مایه‌های آموزشی عوامل و عناصر مهمی هستند که در نهایت گفتمان کلی شعر کودک را شکل می‌دهند. صاحب نظران ادبیات کودک در میان نظریات متفاوتی که در مورد شعر کودک ارائه می‌دهند همواره سه عامل را اصلی‌ترین عوامل در زیبایی شعر کودک دانسته‌اند:

- ۱- آهنگین بودن
 - ۲- خیال انگیز بودن
 - ۳- گویا و بیانگر بودن
- این سه صفت در هر شعر به گونه‌ای جلوه پیدا می‌کند اما هر شعری هر سه صفت را لزوماً یکسان در بر ندارد. (سهراب، ۱۳۷۲: ۱۶۱).

زیبایی شناسی و تاریخچه آن

واژه زیبایی‌شناسی یا علم الجمال آن طور که در زبان فارسی متداول است و معادل واژه Aesthetics به کار رفته، از نظام فلسفی خاصی سخن می‌گوید که کارش، کاوش در معنای جمال و شناخت زیر و بم‌های این پدیده است. (مارکوزه، ۱۳۷۹: ۱) زیبایی‌شناسی در شعر اثر هنری حرکتی است از مرئی به نامرئی، از آشنایی و عادت به عادت شکنی و بیگانه‌سازی، این مفهوم اندیشه آشنایی‌زدایی و هنر را تشکیل می‌دهد که اولین بار توسط «اشسکلوفسکی» نظریه پرداز روس ارائه شد. او نشان داده است که هنر قاعده‌ها، ساختارها و شکل‌های به ظاهر ماندگار واقعیت را دگرگون می‌کند. هنر، عادت‌هایمان را تغییر می‌دهد. هر چیز آشنا و یکنواخت را در ذهن و روان ما شگفت‌انگیز می‌کند، به شکلی که انگار آن را تازه دیده‌ایم. هنر از جمله شعر، عادت و نگرش ما را به جهان عوض می‌کند و ما را متحول می‌سازد. وظیفه شاعر به ویژه شاعران کودک و نوجوان، از بین بردن نیروی عادت در مخاطب است، یعنی آفرینش دنیایی تازه و دیدن عمیق اشیاء و جهان هستی است. (قرشی، ۱۳۸۳: ۲۳۸).

برای پیدایش این پدیده تاریخ دقیقی نمی‌توان ذکر کرد؛ زیرا از آغاز پیدایش هنر ذهن آدمی همواره به زیبایی گرایش داشته است. با وجود این نخستین بحث‌های نظری در این باره را به افلاطون و دیگر علمای عهد باستان چون؛ ارسطو، هوراس و لانگینوس نسبت می‌دهند، اما واژه زیبایی‌شناسی برای نخستین بار در سال ۱۷۵۰ میلادی به عنوان مقوله‌ای فلسفی در کتابی با همین نام توسط «الکساندر بوم گارتن» به کار برده شد. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۳۰۷). هر چند جنبش زیبایی‌شناسی سرانجام به مکتب انحطاط انجامید ولی هیچگاه از میان نرفت و شاعرانی چون ویلیام باتلر، تی. ای. هالم و تی. اس. الیوت را تحت تأثیر

خود قرار داد، ضمن آنکه شعار خود کفایی اثر ادبی به عنوان یکی از ارکان مکتب زیبایی شناسی، بعد ها پایه گذار بزرگترین جنبش ادبی معاصر یعنی نقد نو گردید. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۳۰۸) اما اصول زیبایی شناسی جدید در توجه به هنر به عنوان یک علم مستقل است، به گونه‌ای که در خدمت اغراض و اهداف دیگری جز خود نباشد. دلالت عمده نظرگاه زیبایی شناسی جدید این بود که هنر ارتباطی با زندگی ندارد و از این رو با اخلاق نیز بی ارتباط است.

زندگی‌نامه و آثار محمود کیانوش

محمود کیانوش در مشهد (سال ۱۳۱۳) به دنیا آمد. چهارم ابتدایی را می‌خواند که به همراه خانواده‌اش به تهران کوچ کرد. دیپلم دانشسرای مقدماتی سپس دیپلم ادبی خود را در تهران گرفت و در روستایی به نام مردآباد در حوالی تهران آموزگار شد. کیانوش در کنار کار تدریس توانست لیسانس زبان انگلیسی را از دانشگاه تهران دریافت کند. وی در سال ۱۳۳۸ پس از ازدواج و استعفا از آموزش و پرورش ابتدا در وزارت صنایع و معادن مشغول به کار شد، سپس در کار برنامه‌ریزی آموزش و تدریس پرداخت. سرانجام در سال ۱۳۵۳ خود را بازنشست کرد و یک سال بعد به همراه خانواده‌اش راهی انگلستان شد. محمود کیانوش سرودن شعر را از سال پنجم ابتدایی با غزل و مثنوی آغاز کرد و در سال دوم متوسطه به نوشتن داستان‌های کوتاه پرداخت. اولین مجموعه‌های شعر او با عنوان «شبستان» محصول سال‌هایی است که شاعر سرودن شعر سپید را تجربه کرده و مجدداً به وزن و قافیه روی آورده بود. پس از آن با شعر نیما یوشیج آشنا شد با انتشار مجلات پیک دانش‌آموز از کیانوش دعوت به همکاری شد. در جریان این همکاری بود که اولین شعر را برای کودکان سرود و این کار را هشت سال ادامه داد. شعرهای او برای کودکان و نوجوانان در مجموعه‌های «زبان چیزها»، «طوطی سبز هندی»، «نوک طلای نقره بال»، «باغ ستاره‌ها»، «بچه‌های جهان»، «طلاق هفت رنگ»، «آفتاب خانه‌ی ما»، «شعر به شعر» و «باغ شعر کودک» انتشار یافته است.

کیانوش برای کودکان و نوجوانان داستان‌هایی یا نوشته و یا ترجمه کرده است که عبارتند از: «آدم با روباه، دهکده‌ی نو، بالای پله جهنم، شکارچی کوچولو، میمون گلی کوچولو، سنگ پشت و پلنگ خانه می‌سازد.» از چند متن دیگر با نام‌های: «هاوایی گوهر افیانوس آرام، سرزمین آفتاب تابان و سرزمین مردم ژاپن» نیز باید یاد کرد. از دیگر کارهای برجسته کیانوش تألیف کتاب «شعر کودک در ایران» که حاصل سالها تجربه‌ی شاعر در سرودن شعر کودک می‌باشد. کاری که هنوز کسی نتوانسته است کتابی در سطح آن ارائه دهد. کیانوش در طول بیست سال اقامت در انگلستان کتاب‌های دیگری هم به هر دو زبان فارسی و انگلیسی نوشته و انتشار داده است و آثار زیادی نیز در دست تألیف دارد. محمود کیانوش، هم به اعتبار تألیف‌ها، ترجمه‌ها و نقد و نظریه‌هایش در عرصه‌ی ادبیات بزرگترها و هم به لحاظ سرودن شعرهای زیبا برای کودکان این سرزمین طرح مباحث تئوریک درباره‌ی شعر کودک در ایران از همه کسانی که در این پهنه کوشیده‌اند، جایگاهی برتر دارد شعر کودک با نام کیانوش اعتبار یافته و در این سرزمین ریشه گرفته است. (شعبانی، ۱۳۷۳: ۱۲).

مضامین شعری محمود کیانوش

اساساً شعر کودک، دارای موضوعات و مضامین گوناگونی است و هر مطلبی که قابل درک برای کودک باشد، می‌تواند موضوع شعر کودک قرار گیرد. محمود کیانوش می‌گوید: «مضامین شعر کودک اگر سنجیده انتخاب شود، پرورنده روح اوست، گسترنده‌ی ذهن اوست و نگارنده‌ی او در سیر سلامت که طبیعت او را ارزانی داشته است. گاه هم اگر اندرزی لازم آید، شاعر باید آن قدرت را داشته باشد که اندرز را از صافی شعر کودک با همه‌ی خصوصیات آن بگذراند تا دگرگونی در ماهیت پدید آمده باشد و خاصیت به‌جا مانده باشد، خاصیتی که کودک نتواند آن را همچون یک شلاق در دست شعر ببیند، خلاصه‌ی کلام آنکه مضامین شعر کودک باید از دنیای کودک گرفته شود.» (کیانوش، ۱۳۵۲: ۱۰۳).

از مشخصات برجسته‌ی شعرهای کیانوش برای کودکان در وهله‌ی نخست تأکید و توجه شاعر به شعر بودن کودک است و در نتیجه آوردن توصیف‌ها و تصویرهای شاعرانه است که در عین شاعرانگی به دنیای کودکان نیز تعلق دارد.

◆ از کوه‌های پر برف/ باد بهاری پا شد/ بر اسب ابر هی زد/ کالسکه‌ی هوا شد/ (کیانوش/ باد بهاری)
در شعرهای کیانوش می‌توان مضامینی از قبیل تمثیل، آموزش، چیستان، هیچانه (مهملات) و رفتاری را یافت.

مضامین تمثیلی

تمثیل حیطه‌ای وسیع دارد، نمونه‌های شناخته آن در ادبیات فارسی تمثیل‌های مثنوی مولوی، مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه است. در این تمثیل‌ها بیشتر جانوران هستند که شخصیت‌های داستان‌ها را می‌سازد، گفتار و کردارشان مبتنی بر تعقل است و تعقل تنها در آدمیان است. «در شعر تمثیلی برای کودک همه چیز از جانور گرفته تا گیاه و اشیاء و امور مادی و ذهنی، می‌تواند چون آدمیان گفتار و رفتار کند؛ مثلا گاه پاره ابری سخن می‌گوید و سخن می‌شنود و همچون شخصیت‌های غیرحقیقی افسانه‌ها ماجرا می‌سازد و از ماجراها می‌گذرد. شاعر در این‌گونه اشعار با تمثیل‌های مختلف اغراض متفاوتی را ادا می‌کند، مثلا میان کودک و یک شیء انس و الفت انسانی برقرار می‌کند، یا شیء به زبان کودکانه با او سخن می‌گوید و با اعمال انسانی و کرداری شایسته کودک را متنبه و آگاه می‌کند.» (جعفرقلیان، ۱۳۸۴: ۸۴).

در انواع تمثیل‌ها اشیاء و امور یا مخاطبند یا متکلمند یا مخاطب و متکلمند؛ و کودک که خواننده‌ی شعر تمثیلی است خود ناظر و شنونده‌ای است ساکت و اشیاء و امور در گفت و شنود و عمل و عکس‌العمل هستند. معمولا مضامین تمثیلی بیشتر مناسب کودکان خردسال‌تر است و در سن‌های بالاتر که کودکان از افسانه‌ها فاصله گرفته‌اند، طبعاً از شعر تمثیلی نیز فاصله می‌گیرند.

◆ پروانه از گل/ احوال پرسید/ گل گفت: خوبم/ پروانه خندید/ گل باز تر شد/ با ناز خوابید/ پروانه دورش/ آرام رقصید/ (کیانوش/ احوالپرسی)

مضامین آموزشی

این اشعار برای کودک سه تا شش‌ساله مناسب است. چون هنوز به مدرسه نرفته است و خواندن و نوشتن را نمی‌داند؛ بنابراین به اشعاری نیاز دارد که با کلام آهنگین آن، آموزش‌های لازم را ببیند تا قادر شود آن را بخاطر بسپارد. در این اشعار جنبه موزیکی بیش از جنبه شعری است. «ادبیات کودک در ماهیت خویش، آموزشی است. آن‌گاه که فرد بزرگسال عاطفه و اندیشه خویش را به گونه‌ای طراحی شده و هدفمند بر کودک عرضه می‌دارد، فرایندی پدید می‌آید که به گونه‌ی گریزناپذیر ماهیتی آموزشی دارد.» (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۳۲). آموزش در اشعار کیانوش روش مستقیم نداشته برخلاف دوره‌های قبل او با استفاده از شیوه‌ی تمثیل به آموزش موضوعاتی چون: حروف الفبا، اعداد ریاضی و... می‌پردازد. در این شیوه در زمان کیانوش روشی نو و بدیع بوده است.

◆ روی شاخه تنها نشسته/ غمگین و خسته با چشم بسته/ او در هوا بود/ می‌کرد پرواز می‌خواند آواز/ با شادی و ناز آمد به سویش/ با مهر خندید احوال پرسید/ بر شاخه رقصید/ حالا ۱ و ۱/ دیگر ۲ هستند/ با هم نشستند/ غم را شکستند/ (کیانوش/ ۲=۱+۱)

چيستان

یکی دیگر از قالب‌های شعر کودکانه، اشعاری هستند که در قالب چيستان بیان می‌شوند. موسوی گرمارودی به نقل از مرحوم جلال الدین همایی در تعریف چيستان آورده است: «لغز که در اصطلاح ادبای فارسی آن را چيستان (چيست آن) نیز می‌گویند، در ریشه اصلی لغوی به معنی پیچیدگی، پوشیدگی و کژمژی است و در اصطلاح آن است که از چیزی صریح نام نبرند، اما اوصاف آن را چنان برشمارند که شنونده روشن طبع صاحب ذوق از شنیدن آن اوصاف پی به مقصود گوینده ببرد. این صنعت اگر با شیوایی الفاظ و ابتکار معانی توأم شده باشد، پیش اهل ادب بسیار مهم و گران مقدار و میدان هنرنمایی شعرای بزرگوار است». (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۰: ۴۴).

◆ من چيستم که بی من / دنیا صفا ندارد / هر جا که من نباشم / آب و هوا ندارد / از خاک درمی آیم یک تن هزارها دست / انگشت‌های پایم / بیش از هزارها هست / پایم به سینه خاک / دستم بر آفتاب است / در این جهان خوراکم / خاک و آب و هوا است / هم جان آدمیزاد / هم شادی زمینم / با خرمی و سبزی / آبادی زمینم / (کیانوش / دنیا بی درخت)

هیچانه (مهملات)

❖ باران میاید / شُر شُر شُر / خوب‌ها شده / پُر پُر پُر / آب می‌کند / گُر گُر گُر / سیل می‌کند / غُر غُر غُر / تگرگ می‌آید / رام رام رام / به پشت بام / بام بام بام / (کیانوش / باران و تگرگ).

مضامین رفتاری

اشعاری که دارای مضامین اخلاقی یا تربیتی آشکار یا نهفته باشد، در این دسته قرار می‌گیرند. در این اشعار شاعر با استفاده از وصف و تمثیل، غرض اصلی تربیتی و اخلاقی را دنبال می‌کند و یک مضمون رفتاری زمانی نام شعر را به خود می‌گیرد که از صافی شعر بگذرد. (جعفرقلیان، ۱۳۸۴: ۴۹).

محمود کیانوش می‌گوید: «مضامین شعری که در آن‌ها یک نکته اخلاقی یا تربیتی قرار دارد را می‌توان مضامین رفتاری هم نامید، همچنین در مضمون‌های وصفی و تمثیلی می‌توان نکات تربیتی یا اخلاقی یافت؛ اما در آن‌ها نیت شعر بیشتر یا اصولاً بر وصف یا روایت استوار است. در مضامین رفتاری، شاعر از وصف یا روایت برای برجسته‌کردن یک نکته‌ی رفتاری استفاده می‌کند. او پس از انتخاب نکته تربیتی می‌کوشد که برای آن جایگاه یا فضایی در شعر بیابد و آنگاه نکته را در آن فضا، یا جایگاه جای دهد. جای دادن نکته تربیتی در یک شعر را می‌توان به رها کردن کبوتری سفید در فضایی روشن به سوی آسمان صاف و نیلگون تشبیه کرد. پرواز این کبوتر هنگامی زیبا و دل‌انگیز خواهد بود و کودک را مجذوب خواهد کرد که فضای رها کردن کبوتر همه‌ی روشنایی‌ها، چشم‌اندازها و زیبایی‌ها را داشته باشد، اگر نکته‌ی تربیتی در شعری نامناسب بنشیند، به رها کردن کبوتری سیاه در ظلمت و سکوت شب خواهد ماند. کودک صدایی خواهد شنید؛ اما چیزی نخواهد دید.» (کیانوش، ۱۳۵۲: ۱۱۳).

بیان نکته‌ای اخلاقی، تعلیمی و پند و اندرز به شیوه‌ی غیرمستقیم و از شیوه‌های کیانوش در سرودن شعر برای کودکان است. تشویق به سحرخیزی در شعر زیر مدنظر است.

❖ خروس نازنینم / با بال‌هایی رنگین / با تاج ارغوانی / پیش از طلوع خورشید / سر می‌دهد به شادی / آواز آسمانی / می‌گوید! آی آدمها، قو قو لی قو قو، روز آمد / از خواب خوش برخیزید / چشمان خود بگشاید / در آسمان روشن / خورشید را ببینید / شیرینی صدایش خوش می‌کند دلم را / مثل صدای مادر / «فرزند نازنینم بیدار شو که خورشید از کوه می‌زند سر» (کیانوش / خروس). کیانوش در گزینش موضوعات شعری خود برای کودکان خصوصاً کودکان تا ۱۰ ساله توجه زیادی به شاد بودن آن دارد و سعی می‌کند که موضوعات شعری او به دور از غم‌ها و غصه‌ها سختی‌ها و ناملایمات باشد چرا که معتقد است کودک در زندگی با این مشکلات آشنا می‌شود.

❖ فصل گرم تابستان/ از راه رسیده خندان/ با خود آورد از هر سو/ میوه‌های فراوان/ سیب و انگور و هلو/ گلابی و زرد آلو (کیانوش، تابستان).

زیبایی‌شناسی در شعر کیانوش

تشبیه^۱

تشبیه مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر این که آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق، یعنی ادعایی باشد نه حقیقی. (شمیسا، ۱۳۹۰: ۶۸). ساده‌ترین شکل در برقراری و نمایش پیوند میان اشیاء و پدیده‌های گوناگون تشبیه است که در شعر کودک کاربرد فراوانی دارد، شاعر کودک باید در برقراری ارتباط میان پدیده‌ها و کشف شباهت‌های موجود در آن‌ها نهایت دقت و باریک بینی را داشته باشد. برقراری ارتباط و کشف شباهت میان پدیده‌ها باید متناسب با خیال‌های کودکان در سنین مختلف باشد تا کودک بتواند به راحتی با آن ارتباط برقرار کند و در کشف شباهت‌های موجود بین اشیاء با شاعر همراه شود. در گذشته تشبیه تقسیم بندی زیادی را می‌طلبید ولی امروزه جهت دوری از پراکندگی، تشبیه‌ها به دو دسته گسترده و فشرده تقسیم می‌کنند:

تشبیه فشرده:

تشبیهاتی است که با افزودن دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه به) به صورت ترکیب اضافی در می‌آید که در اغلب قریب به اتفاق موارد، مضاف در آن مشبه و مضاف‌الیه مشبه است.

❖ چادر باران:

دست، دست، دست، دست، دسته ابر سپید

بر سر گل‌های باغ

چادر باران کشیده (چشم و گوش و دست، باغ ستاره‌ها).

تشبیه گسترده

بصورت ترکیب اضافی بیان نشده است و ممکن است هر چهار رکن تشبیه ذکر شود و یا وجه شبه و ادات تشبیه حذف شود.

❖ قایق به اردک:

قایق کوچک بادبانی

می‌رود تا افق نرم نرمک

بر سر موج‌های شکوفان

سینه را می‌کشد مثل اردک (قایق و باد، بچه‌های جهان).

در دل تقسیم بندی جدید تشبیه به فشرده و گسترده تمامی انواع مختلف تشبیه را می‌توان پیدا کرد اما در ادامه تقسیمات به بیان انتزاعی می‌پردازیم که در شعر کودک و نوجوان بسامد بالائی دارند و چون طرفین تشبیه حائز اهمیت اند مقوله حسی، عقلی را در ادامه مبحث تشبیه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

همانندپنداری با دو سویه حسی

طرفین تشبیه (مشبه و مشبه به) هر دو در عالم محسوسات با یکی از حواس ظاهری قابل حس‌اند. این تشبیه یکی از رایج‌ترین انواع تشبیه در شعر کودک و نوجوان است به عبارتی این نوع همانندسازی به دلیل بدویت و سادگی خود بار

¹Simile

عظیمی از وظیفه تصویرسازی در شعر کودک به ویژه شعر کودکان قبل از دبستان و سال‌های اول دبستان را به دوش دارد در این تشبیه بیشتر از نقش طبیعت بهره می‌گیرند.

❖ **نسیم به اسب:**

ای که بر اسب نسیم
می‌شوی نرمک سوار
(قاصدک، بچه‌های جهان).

❖ **ابر به سپاه:**

آب خفته شد بلند و زود
یک سپاه ابر روبه راه کرد (کشتزار من سلام، بچه‌های جهان).

❖ **شب به درخت**

شب درختی سیاه و بزرگ است
پخش در آسمان شاخسار (درخت شب، بچه‌های جهان).

❖ **خورشید به غربال**

روز در غربال خورشید
خرده الماس پالایی (کجا رفتی؟ بچه‌های جهان).

❖ **شب به باغ**

از باغ چشم
مهتاب آمد. (مهتاب و باغ، باغ ستاره‌ها).

❖ **امواج به جمله**

دریای آبی ژرف
با جمله‌های امواج

از خاک می‌زد حرف (بازی با آب بازی با شعر، باغ ستاره‌ها).

همانندسازی به اعتبار فردیت و ترکیب

آنچه در نظر اول از بحث همانند پنداری دریافت می‌شود، همانند پنداری یک چیز بر چیز دیگر است که به طور معمول طرفین آن مفردند. در این میان وجه شبه نیز مفرد است.

❖ **آن موی شانه خورده**

ابریشم سیاه است

بر دو روی ماهت

شب دور روی ماه است. (تنگ طلا، باغ ستاره‌ها).

در تصویرسازی بالا ابتدا از دو تشبیه مفرد (مو به ابریشم) و (رو به ماه) استفاده شده است و سپس کل هیات حاصله (مو به دور چهره) به (شب به دور ماه) تشبیه شده که مرکب است.

تشبیه وهمی

نوعی خاص تر از تشبیه خیالی است و در آن مشبه به اصلاً وجود خارجی ندارد.

❖ ابر و شب به غول:

مانند غول زخمی

فریاد او برآمد

آنوقت اشک سردش

باران شد و فرو ریخت (ابرو باران، بچه‌های جهان).

❖ غول شب آمد به خشم

تافتن آغاز کرد (/ لامپ، زبان چیزها).

❖ چشمه جادو

بی آب هر چه هست خراب است

گویی که آب چشمه جادوست. (آن زلال خوب درخشان، بچه‌های جهان).

تشبیه مضمَر

در طبقه بندی تشبیه در آراء کلاسیک، این بحث تحت عنوان «تشبیه مضمَر» یا «پنهان» جایگاه ویژه‌ای دارد. روند تشبیه‌های مضمَر به گونه‌ای است که گویی ناخواسته به وجود آمده‌اند و شاعر قصد ساختن آنها را نداشته و همین بی خبری از تشبیه یا خود را به بی خبری زدن در آنها، منجر به نوعی کشف و شهود زیباشناسانه می‌شود. به طور کلی جایگاه همانندپنداری همراه با ابهام و کاملاً خالی از صراحت، در ادبیات بزرگسال است اما در شعر کودک و نوجوان، به ویژه نوجوانان، نیز می‌توان نمونه‌هایی از این شیوه تصویرسازی را مورد بررسی قرار داد. هر چه از گروه سنی پائین به سمت بالا می‌رویم، ابهام هنری در این نوع تشبیه‌ها بیشتر می‌شود. (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۶۵).

❖ کبوتر به ستاره:

کبوتر نقره‌ای، بال زنان می رود

ستاره‌ای از زمین، به آسمان می رود (پنجره، باغ ستاره‌ها).

❖ آسمان به دریا

ابره‌های سفید شناور

قایق و کشتی آسمانند. (قایق و باد، بچه‌های جهان).

استعاره

استعاره در لغت مصدر باب استفعال است یعنی به عاریه خواستن لغتی را به جای لغت دیگری. استعاره بزرگترین کشف هنرمند و عالی‌ترین امکانات در حیطه‌ی زبان هنری است. استعاره کارآمدترین ابزار تخییل و به اصطلاح ابزار نقاشی در کلام است (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۶۰).

استعاره مصرحه

این نوع استعاره، همان گونه که از نامش پیداست، صریح و آشکار است. استعاره‌ی مصرحه، ذکر مشبّه به و اراده‌ی تمام ارکان تشبیه است و علت آشکار بودن این استعاره، به خاطر داشتن مهم‌ترین و راهگشایترین رکن تشبیه، یعنی مشبّه به است و پیداست که استعاره‌ی مصرحه، همان مجاز به علاقه‌ی مشابهت است. ساختار آن: (مشبه به + ملائمت (صفات مشبه) یعنی

کلام مشبه به یا لااقل یکی از ملائمت «قرائن» مشبه «مستعارله» همراه است در این نوع استعاره ملائم مشبه همان قرینه‌ی صارفه است.

❖ صبح می آید و نیست دیگر

از درخت سیاهی نشان

آسمان است و تنها گلی زرد

از گل زرد روشن جهانی (درخت شب، بچه‌های جهان).

استعاره‌ی مکنیه (بالکنایه)

ساختار: مشبه+ ملائمت مشبه به یعنی در این نوع استعاره برخلاف استعاره‌های دیگر مشبه (مستعارله) را ذکر می‌کنند نه مشبه به (مستعارمنه) و آن را در دل و ضمیر خود به جاننداری تشبیه می‌کنند جاندار غالباً انسان است در این صورت همان است که فرهنگیان به آن (personification) می‌گویند و گاهی حیوان است، مثل «چنگال مرگ» و گاهی هم اصلاً جاندار نیست: مثل سایه‌ی دانایی در صلح و سپس برای اینکه این تخیل به خواننده منتقل شود یکی از صفات یا ملائمت آن جاندار (مستعار مننه) را در کلام ذکر می‌کنند: مثل «دست روزگار» که در آن مشبه یعنی روزگار همراه با یکی از ملائمت مشبه به (انسان) که دست باشد آمده است به آن قسمت که گوینده در ضمیر خود روزگار را به انسان تشبیه کرده است استعاره تخلییه می‌گویند از اینرو قدما روی هم رفته این گونه استعاره را استعاره مکنیه و تخلییه خواننده‌اند و و هیچگاه این دو از هم جدا نیستند بهتر است آن استعاره مکنیه تخلییه بگوئیم (شمیسا، ۱۳۹۰:۱۵۵).

❖ ببین هر جا نشسته است

چه برفی از شب پیش (بخاری، زبان چیزها).

استعاره‌ی تبعیه

آنست که مستعار ساختی از فعل باشد، یا واژه‌ای برآمده از فعل است. (کزازی، ۱۳۶۸:۱۰۹).

❖ مرد برزگر مار

دید و شادمانه گفت

به! خدا! چه پنبه‌ای

خنده بر لبش شکفت. (پنبه، زبان چیزها).

کنایه

استفاده از کنایه در ادبیات کودک به خصوص شعر اندک است. در شعر کیانوش نیز شاهد موارد محدودی از کنایه هستیم که بیشتر در اشعاری که شاعر برای نوجوانان سروده مشاهده می‌شود و اغلب کنایات مورد استفاده شاعر کنایات رایج در گذشته است کاربرد این گونه کنایات در شعر کودک و نوجوان مناسب نیست و زبان اشعار را به سمت کهنگی می‌برد. استفاده از این آرایه نیز به ندرت در شعر کودک دیده می‌شود:

❖ باران اگر نبارد

دهقان تباه گردد

جانش بسوزد از غم

روزش سیاه گردد (باران بیا! باران، باغ ستاره‌ها).

معنای لفظی سیاه شدن روز، شب شدن است و معنای کنایه آن بدبختی است.

❖ در شب اگر نبودی

ما پای بسته بودیم (چراغ، بچه‌های جهان).

پای بسته در معنی کنایی ناتوان

❖ فصل گرما که آمد، دوباره

دست و دل باز و دامن گشایی (بیرق با شکوه زمین، بچه‌های جهان).

دست و دل باز کنایه از بخشنده.

ایهام

قشنگ: صفت در معنی زیبایی، کاملاً

❖ همه جا را قشنگ می‌بینی

مثل شهر فرنگ می‌بینی (من فقط آبم، بچه‌های جهان).

تشخیص

شخصیت بخشیدن به اشیاء در دنیای کودکان جایگاه والایی دارد، در ذهن کودک همه اشیاء جاندار هستند، تشخیص را در گفتار هر روزه کودکان با اشیاء و عناصر موجود در محیط میتوان لمس کرد این امر به تدریج با بالاتر رفتن سن کودک کمتر می‌شود شاعران کودک نیز متناسب با دنیای کودکان توجه زیادی به تشخیص در سرودن شعر برای کودکان داشته‌اند و تأثیر این کثرت کاربرد در زیبایی و خیال‌انگیزی و تناسب آن با خیال‌های کودکان نهفته است.

جاندار پنداری

❖ پاشدن برای باد بهار:

از کوه‌های پربرف

باد بهار پا شد (دنیا بی درخت، باغ ستاره‌ها).

❖ لب برای غنچه:

از زور قلقلک‌پایش

لب‌های غنچه وا شد (باد بهاری، باغ ستاره‌ها).

از خواب بیدار شدن دانه و آب حالتی جاندارانه است:

❖ دانه از خواب

دیده وا کرد (باران بهاری، باغ ستاره‌ها).

❖ حالت دویدن به باد و ابر و ستاره

می‌دود باد سرد مهرگان

توی خانه‌ها و باغ‌ها (مهرگان، باغ ستاره‌ها).

❖ نفس کشیدن شامگاه

تیرگی شامگاه

به روشنی چیره شد

آینه آسمان از نفسش تیره شد. (لامپ، زبان چیزها).

انسان پنداری

در این دسته از تشخیص شاعر نه تنها به اشیاء بی‌جان بلکه به حیوانات افعال و عواطف و صفات انسانی می‌بخشد:

❖ خندیدن:

یک گونه تو سفید چون صبح

با سایه روشن و طلایی

لبخند دلنشین خورشید

سرشار از صفا و دلگشایی (میوه بهشتی، بچه‌های جهان).

❖ آواز خواندن

کرد بلبل پرواز

خواند در باغ آواز

خنده زد گل با ناز

گفت: «نوروز بر همه خوش باد» (نوروز بر همه خوش باد، بچه‌های جهان).

❖ نوشیدن

تو خوش خوابیدی و روز

درآمد از سیاهی

خروس آواز سرداد

به رقص آمد میان آب ماهی (خواب خوش، بچه‌های جهان).

حسامیزی

آنچه گسترش این گونه تصاویر را در شعر کودک و نوجوان اهمیت می‌دهد، همان گسترش زبان و آموختن مهارت گفتار و خلاقیت به آنان است برای کودکان که غالباً اذهان مقایسه‌گرایی دارند، به نظر می‌رسد حسامیزی مسئله‌ای سهل‌الوصول باشد. وقتی کودک افعال را به صورت قیاسی می‌سازد و مثلاً در قیاس با خوابانیدن، فعل‌های کشتانیدن و مردانیدن را به کار می‌برد و در سال اول تحصیل، در قیاس با «نان» که قبلاً آن را «نون» می‌خواند و اکنون باید نان بخواند همه مصوت‌های بلند «واو» در واژگان دیگر را به «الف» تبدیل می‌کند.

❖ قصه‌ای زلال:

آب داشت قصه‌ای زلال

داد قصه را به آفتاب (قصه آب، بچه‌های جهان).

❖ **نغمه طلایی رنگ:**

در سحر چکاوک است
دلپذیر و دلگشا نغمه طلائیش (قصه آب، بچه‌های جهان).

❖ **پند تلخ:**

پند تلخی که بر زبان رانیم
خود پس آزموده ایم آن را (آئینه‌های کردار، بچه‌های جهان).

تناسب

مراعات نظیر یا تناسب وقتی ایجاد می‌شود که برخی از واژه‌های کلام، اجزایی از یک کل باشند و به این دلیل بین آنها ارتباط و تناسب باشد و انواع مختلفی دارد. بدیهی است که اسم بردن اجزاء یک مجموعه خود به خود هنری نیست بلکه باید این اسم‌ها و تناسب بین آنها مخیل یا مضمون ساز باشد. تناسب از مهمترین عوامل در تشکیل و استحکام فرم درونی شعر است و دقت در آن منجر به یافته‌های دقیق سبک شناسانه می‌شود:

❖ **تناسب عناصر اربعه:**

پایم به سینه سنگ خاک

دستم بر آفتاب است

در این جهان خوارکم

خاک و هوا و آب است (دنیا بی درخت، باغ ستاره‌ها).

❖ **زندگی آب و خاک**

ابرو باد چشمه و سراب

آفتاب خاک و آب و ابر و باد و آفتاب (زندگی، باغ ستاره‌ها).

❖ **مثل مادرم درخت بر سرم،**

ابر و آسمان و آفتاب بود (در، زبان چیزها).

تضاد

تضاد از برجسته ترین صنعت های ادبی است که در دسته‌ی آرایه‌های معنوی بدیع قرار می‌گیرد. این آرایه از قوی‌ترین و پرکاربردترین صنعت‌های ادبی و شعری بر شمرده می‌شود در اصطلاح بدیعی تضاد به صنعتی اطلاق می‌شود که گوینده یا نویسنده؛ دو کلمه‌ی متضاد یا متفاوت را در یک عبارت می‌آورد.

❖ **شب و روز / باز و بسته**

از طلوع روز تا میان شب

گاه باز و گاه بسته می‌شوم (در، زبان چیزها).

❖ **خواب و بیدار**

یک نیمه صورت تو بیدار

یک نیمه صورت تو خفته (میوه بهشتی، بچه‌های جهان).

❖ **سیمرغ و مگس:**

در بالهای خسته سیمرغ

امروز قدرت مگسی نیست (از باغ‌های نور، بچه‌های جهان).

❖ **اینجا و آنجا / بالا و پایین / بیدار و خواب / آب و خاک**

شکوفه اینجا، شکوفه آنجا

شکوفه پایین، شکوفه بالا

شکوفه بر خاک، شکوفه بر آب

شکوفه بیدار، شکوفه در خواب. (شکوفه، باغ ستاره‌ها).

مطابقه

در شعر کودک و نوجوان نمونه‌های زیادی از مطابقه وجود دارد و این به خاطر کوتاه بودن جمله‌های شعر کودک است.

❖ **پس از زمستان**

بهار نوباز (پس از زمستان، بچه‌های جهان).

❖ **مرا هراسی از غم سیاه نیست**

تو مزده‌های شادی سپید می‌دهی (چراغ دوره جوانی منی، بچه‌های جهان).

❖ **شعرهای خوبی و بدی**

قصه‌های مهر و دشمنی

شعر و قصه جهان و زندگی

آشنائی هر فقیر و هر غنی (تار، بچه‌های جهان).

پارادوکس

نقیض‌نمایی با تضاد فرق دارند. دو واژه متضاد وجود دارند که در یک پدیده واحد جمع نمی‌شوند. تضادها در کنار هم قرار می‌گیرند اما نقیض‌نمایی در مقابل هم و با هم جمع می‌شوند گاهی مواقع نقیض‌نمایی خارج شدن از عرف است. (کاظمی، ۱۳۷۷: ۶۴).

❖ **خزان پر بهار:**

در خزان، مدرسه

پر بهار شد (وقت کار شد، باغ ستاره‌ها).

❖ **خاموش پر آواز:**

خاموش پر آواز

همراه بی آزار (با صدای مادر، باغ ستاره‌ها).

نتیجه‌گیری

با بررسی جنبه‌های مختلف اشعار کیانوش از دیدگاه زیبایی‌شناسی به این نتیجه می‌توان رسید که شاعر با آگاهی از عواطف و نیازهای کودکان قدم به دنیای آن‌ها می‌گذارد و در به کارگیری اکثر عناصر علائق کودکان و نیازهای آن‌ها را در نظر می‌گیرد. شعر کیانوش از نظر پرداختن به صورت‌های خیال غنی است، تشخیص اصلی‌ترین عنصر سازنده تصاویر است. تخیل در شعر کیانوش صورت‌های گوناگونی دارد که از میان آن‌ها تشبیه، استعاره، تشخیص بسامد بالائی دارند. تشبیه در شعر او بسامد بالایی دارد و جایگاه آن بعد از تشخیص است، بسامد تشبیهات فشرده و گسترده در اشعار بالاست. صورت خیالی دیگری که بعد از تشبیه در شعر محمود کیانوش بسامد دارد تشخیص یا جاندارپنداری است. جاندارانگاری از خصوصیات بارز کودکان است و کودکان با آن زندگی می‌کنند. استفاده فراوان از تشخیص نشانگر خیال‌انگیز بودن دنیای کودکان نسبت به بزرگسالان است. آن‌ها به هر چیز بی‌جان می‌دهند؛ و یا عواطف و حالات انسانی را به غیر انسان نسبت می‌دهند. نمونه‌های فراوانی از آن را در شعر کودک و نوجوان می‌توان دید تشخیص باعث ارتباط گیری کودک با محیط و اشیاء پیرامون خویش می‌شود. در شعر کیانوش بیشترین تناسب بین اجزای طبیعت برقرار می‌شود و شاعر متناسب با نیاز کودکان از عناصر محسوس به خصوص عناصر محسوس طبیعی استفاده می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. انوشه، حسن، ۱۳۷۵، دانشنامه ادبی فارسی، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه.
۲. جعفر قلیان، طاهره، ۱۳۸۴، ادبیات کودکان، انتشارات پیام نور.
۳. خسرونژاد، مرتضی، ۱۳۸۲، معصومیت و تجربه، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۴. رازنی، بهمن ۱۳۷۰، پژوهشی اجمالی در زمینه ادبیات کودکان، تهران: نشر روشن فکران.
۵. سهراب، معصومه، ۱۳۷۲، هفده مقاله درباره ادبیات کودکان، شورای کتاب کودک، انتشارات اورامان.
۶. سلاجقه، پروین، ۱۳۸۷، از این باغ شرقی، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۷. شمیسا، سیروس، ۱۳۹۰، بیان، تهران: انتشارات میترا.
۸. -----، ۱۳۸۹، معانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میترا.
۹. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۵۰، صور خیال در شعر فارسی، انتشارات فاروس ایران.
۱۰. شعبانی، اسدالله، ۱۳۷۳، محمود کیانوش آن آشنای دیرینه‌ی کودکی‌ها، انتشارات رویش غنچه.
۱۱. علوی مقدم، محمد، اشرفزاده، رضا، ۱۳۹۰، معانی و بیان چاپ دهم، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. قرشی، محمد حسین ۱۳۸۳، مجموعه مقالات همایش ادبیات کودکان و نوجوانان، بیرجند.
۱۳. کیانوش، محمود، ۱۳۵۲، شعر کودک در ایران، تهران: آگاه.
۱۴. -----، ۱۳۷۸، بچه‌های جهان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۵. -----، ۱۳۷۰، باغ ستاره‌ها، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۶. -----، ۱۳۷۹، زبان چیزها، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۷. کاظمی، محمد کاظم ۱۳۷۷، روزنه (مجموعه آموزشی شعر)، مشهد: انتشارات ضریح آفتاب.
۱۸. کزازی، میرجلال‌الدین، ۱۳۶۸، زیبایی‌شناسی سخن پارسی (بیان)، تهران، انتشارات نشر مرکز.
۱۹. مارکوزه، هربرت، ۱۳۷۹، بعد زیبایی شناختی، ترجمه داریوش مهرجویی، تهران، هرمس.
۲۰. مقدادی، بهرام، ۱۳۷۸، فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، تهران، فکر روز.
۲۱. موسوی‌گرمارودی، سیدمصطفی، ۱۳۸۰، شعر کودک از آغاز تا امروز، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۲. ناظمی، یحیی، ۱۳۸۵، ادبیات کودکان رویکردی برقصه‌گویی و نمایش خلاق، چاپ اول، تهران: انتشارات چاپار.
۲۳. همایی، جلال‌الدین، ۱۳۷۳، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ نهم، تهران: نشر هما.

The Aesthetics of Simile, Metaphor, Irony, Ambiguity, etc. in Children's Literature with a Focus on Mahmoud Kianosh Poetry

Abbas Sayadi Daryakenari

*Master of Persian Language and Literature, Payam Noor University of Karaj
Educational Deputy of Primary School, Education and Training of Mallard City*

Abstract

Mahmoud Kianoosh of the pioneers of childrens poetry. He is known as the father of poems for children. And his poetry has been criticized and coherent analysis. In the poems aesthetic criticism rhythmic and melodic construction bvsn sryh rational thought and fantasy of the original elements. And elements of poetry in terms of form and content interact with each other. This study was conducted to analyze and describe methods to aesthetic criticism in some ironic metaphor likening imagery of his portry deals. Kianoosh poetry in terms of addressing the rich poetic imagination. Tshbyh metaphor for the conflict to be the closest to the world of childrens imagination is the most frequency in his portry. Description dealing with natural phenomena and behavior of the main themes in his poetry.in poetry Kianoosh elements form fit with the currency of the content.

Keywords: children poetry, Aesthetics, Imagery, Mahmoud Kianosh
